

نابود یاد جنگ: مرگ بر
خمینی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

دوره ۴، سال دوم
شماره ۱۹-۵۵-۶۴

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

۸ صفحه - ۵۰ ریال

انقلاب ایران و ملاقات رهبران شوروی و آمریکا

شرایط کنونی جهان بعلمت سیاستهای عمیقاً ارتجاعی دولت ریگان سمت یک بحران همجانانه پیش میرود. ریگان بنشانه نماینده ارتجاعی ترین جناحهای امپریالیستی می‌کوشد تا جهان را بسمت یک جنگ سرد پیش ببرد. کرچه بعلمت مبارزه قدرتمند، مجموعه نیروهای طرفدار صلح، ترقی و تشنج زدایی تا کنسول ریگان بعصه اهداف خود دست نیافته است، اما تردیدی نیست که اگر این سیاست خنثی نشود، جهان در آستانه جنگ سرد قرار خواهد گرفت. گسترش و افزایش سلاحهای هسته‌ای، استقرار موشک‌های اتسی در اروپا و تقویت راست ترین جناحهای امپریالیستی در اروپا دامن‌زمن به هیستری ضد کمونیستی و ضد شوروی بر افروختن جنگهای منطقه‌ای، تعرض به جنبش‌های انقلابی و تهدید کشورهای انقلابی به دخالت در امور آنان و... نمودهای متعدد این سیاست ارتجاعی دولت امپریالیستی ریگان است.

امپریالیسم آمریکا در دهه هفتاد با شکست‌های متعددی روبرو شد. پیروزی انقلاب در ویتنام، کامبوج، انگولا، موزامبیک، نیکاراگوئه و اوج گیری دهه‌ها جنبش انقلابی، سرنگونی رژیم سلطنتی در ایران، اوج گیری جنبش کارگری در سراسر جهان و به تبع آن تعمیق بحران در جهان امپریالیستی، آمریکا را با یک خلا، بزرگ روبرو ساخت. انوربته امپریالیسم آمریکا در بین متحدین و نوکرانش کاهش بسیار یافت، آمریکا دیگر نمی‌توانست بسادگی به ادعای "آقاشی" جهان ادامه دهد. سیاست "شلاق و نان قندی" کارتر وضع را برای آمریکا بدتر و شکست‌های قبلی را شدت بخشید. این شکست‌های متعدد که در مجموع موجب تقویت جنبه جهانی انقلاب و ترقی گردید، جنبه جهانی امپریالیستی را بسیار تضعیف نمود و این خود موجب تعمیق بحران در جهان امپریالیستی گردید. انحصارات سرمایه‌داری در آمریکا برای برکردن خلا، موجود و بقیه در صفحه ۳

در مجلس ارتجاع چه می‌گذرد؟
اینروزها مجلس ارتجاع مشغول بررسی لایحه چگونگی فعالیت بخش خصوصی است. اینکه از میان دهها مساله بلاتکلیف و بی‌قانون که بسیاری نیز به زندگی زحمتکشان مربوط است، چرا این لایحه آتیم با این سرعت مورد رسیدگی قرار گرفته خود روشنگر بقیه در صفحه ۷

نقش تبلیغ در گسترش مقاومت انقلابی مسلحانه

در حوزه نیروهای خارجی- قدرتمندترین آنها امپریالیسم و انحصارات جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قرار دارد. این جریان جهانی بخوبی می‌داند که مقاومت مسلحانه نه از آن نوع حرکت‌های عوام‌فریبا- نه خمینی انجام می‌دهد، نه هوس پیمودن راه قدس از این‌با آن کشور همسایه دارد و نه تا آنجا که در توان دارد به کسی باج می‌دهد. برای آمریکا بویژه شرایطی که سیاست اصلی‌اش بحران‌زایی است، تحمل نیروهای که بر اساس منافع واقعی ملی خودشان بخواهند به امر سازندگی جامعه بپردازند و عاملی در جهت حفظ صلح باشند، غیر قابل تحمل است.

در عرصه داخلی خمینی و حامیانش، شاه و شاه‌پسرستان و آن نیروهای که بعلمت وضعیت مشخص طبقاتی- شان هرگز بطور جدی و واقعی در صف ترقیخواهی قرار نمی‌گیرند، قرار دارند. اینان در هر لحظه از عسق یابی انقلاب و از ترس آن، هنرشان تخطئه کردن هر حرکت و اقدام انقلابی است و بعلمت تورشکنگی و واماندگی تاریخی‌شان و برای جبران این عقب ماندگی و ذلت (طبعاً بشیوه بسیار مضحک) دم از "آزادیخواهی" می‌زنند. تمام سیاست دسته اخیر در دو جمله خلاصه می‌شود: اولاً تا آنجا که می‌توانند برای امپریالیسم دلربایی کنند و ثانیاً تا آنجا که توان دارند برای در هم شکستن نیروهای مقاومت مسلحانه و عامل رهبری آن یعنی شورای ملی بکوشند. این سیاست را حاضرند به هر شکلی پیش ببرند. این حق را برای خود قائلند که بقیه در صفحه ۲

وضعیت و حالروز مقاومت انقلابی مسلحانه همانند وضعیت کوهنوردانی است که به قصد فتح یک قله بلند، کوهستانی سخت و شترهای را در شرایط برف و بوران می‌پیمایند و پس از گذراندن عمده راه در یک مسافت مشخص و نه نسبتاً دور از قله قرار گرفته اند. نقطه‌ای که از یک طرف چشم انداز قله مشخص و از طرف دیگر پیمودن بقیه راه مستلزم صرف انرژی قابل توجهی است گمانیکه در چنین شرایطی کوهنوردی کرده‌اند به خوبی می‌دانند که تمام انرژی و فکروحواس کوهنوردان در این لحظه متوجه فتح قله است. کوهنوردان در این شرایط تمام دوستان نیمه راه و آنهاشیکه در لحظات اولیه کوهنوردی معمولاً در شرح قدرت نمایی‌های گذشته خود پیرامون فتح قله‌های متعدد به پرگوئی‌های درازندرا بحال خود در قهوه خانه‌های نیمه راه رها کرده تا بر طبق مثل معروف "صیف عیش، نصف عیش" باز هم با گزاره کوشی‌هایی برای خود و افرادی نظیر خود خوش باشند. مقاومت انقلابی مسلحانه در این مقطع از حیثیات خود ادرست در چنین وضعیتی قرار دارد. اگر حرکت صعودی کوهنوردان را در آن وضعیت، عوامل طبیعی و بعضی دولتی‌ها تهدید می‌کند، در مقابل مبارزه مسلحانه مجموعه نیروهای قرار گرفته‌اند که تاریخ یک انقلاب بیک خلق عزم به سپردن عمده‌ترین این مخالفین بسایگانسی تاریخ نموده‌است. این مخالفین عمدتاً وضعیت متفاوت قرار گرفته و به اشکال گوناگون جلوه می‌کنند و صرفنظر از وابستگی طبقاتی و متعلقات ایدئولوژیک سیاسی آنها یک کل واحد را تشکیل می‌دهند.

خاطره ۱۹ بهمن حماسه
سیاه‌کل و ۲۲ بهمن
قیام شکوهمند خلق را
گرامی بداریم

قیام مسلحانه علیه رژیم، کابوس خمینی

بحران انقلابی که سراسر جامعه ما را فرا گرفته هر دم بر شدت و حدت تشاد مردم با رژیم ضد انقلابی خمینی می‌افزاید. رژیم خمینی که همه طرفند‌های عوام‌فریبانه خود را از دست داده، چاره‌ای جز نظامی کردن سراسر جامعه و سرکوب شدید مبارزه مردم ندارد. خمینی پس از دخالت مستقیم در امرنمایش انتخاباتی ریاست جمهوری و بی‌دخالت‌های مکرر در امر انتخاب نخست وزیر و تعیین وزرا، خود بخوبی از بحرانی که تمامی جامعه را فرا گرفته و موجب درگیریهای شدید بین سران رژیم می‌شود، آگاه شد. مسئولین درجه اول رژیم خمینی نیز با توجه به بقیه در صفحه ۴

دو این شماره:

- * درگذشت سهندس احمد مصدق
- * ۲۶ دیماه فرار شاه خاش
- * رویدادهای تاریخی
- * شهدای فدائی

هر چه گسترده‌تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

نقش...

بقیه از صفحه ۱
زمین و زمان را زیر علامت سوال ببرند و بر این پایه بر طبل توخالی خود بکوبند، اما حاضر نیستند که کوچکترین مخالفتی با خود را بپذیرند و در این رابطه همواره چماق های خاص خود را دارند. کفایت بسک نیروی مردمی یک اشتباه انجام دهد، آنوقت بازار داغ عوامفریبانه آنها شروع می شود. آنها از موضع صلحت گراشی حاضرند "سفرند" و "بخارا" را با یلغیاست نوعاً کارترستی بیاد دهند. اما وقتی نیروهای واقعا دموکراتیک مضمم به حفظ استقلال واقعی مملکت هستند فریاد "مملکت" بر باد رفته آنها بلند می شود. اگر تمام اما و اگر و شایدهای نوشته هایشان را حذف کنی پیام واقعی حرفهایشان روشن می شود. انقلاب حلال مشکلات نیست.

امپریالیسم امریکا سیاست بسیار روشن و چسبند جانیه ای را در رابطه با این نیروها پیش می برد. ایجاد یک جانشین برای رژیم خمینی از مجموعه ای شامل بخشی از حاکمیت، سلطنت طلبان و نیروهای وابسته بس بورژوازی متوسط. برای پیش برد این امر، درهم شکنی مقاومت مسلحانه انقلابی و شورای ملی مقاومت سیا ست اصلی امریکا می شود. گرچه احتمال انجام این حرکت از طرف امریکا بسیار ضعیف است ولی بیخردی است، هوشیاری خود را از دست ندهیم. بویژه اینکه هم تجربه کار ائتلافی در سپه ما ضعیف و هم نیروهای مقاومت مسلحانه انقلابی از نظر فیزیکی تحت شدیدترین پورش ها هستند. اما مخالفین دیگر مقاومت مسلحانه انقلابی که بععل مختلف وبا تسلط سیاستهای انحرافی متفاوت قادر به مداخله جدی در امور مرسوم به انقلاب نیستند، طیف گوناگونی را تشکیل می دهند. که موضع مقاومت مسلحانه انقلابی در قبال آنان بطور خلاصه چنین است:

۱- مقاومت مسلحانه انقلابی از مبارزه مجموع نیروهای مردمی که مدافع استقلال، دموکراسی باشند استقبال می کند و به مبارزه آنها علیه رژیم خمینی (هر چقدر ناپیکر و با اما و اگر) ارج می گذارد و از آن حمایت می کند.

۲- تا آنجا که به مساله الترنا توی مربوط است (و نه بوجود نیروهای پراکنده سیاسی) مقاومت مسلحانه انقلابی در کنار خود الترنا توی دموکراتیک تسر و بی گیر تر و جدی تر از شورای ملی مقاومت نمی بیند. با اینحال مبارزه مسلحانه انقلابی بارها اعلام کرده که جا را برای مبارزه انقلابی و ایجاد الترنا توی از طرف هیچکس تنگ نکرده و نخواهد کرد.

مقاومت مسلحانه انقلابی در این موقعیت از تعادل نیروهای سیاسی در وضعیتی قرار گرفته که تنها راه حل دموکراتیک برای حل بحران ایران را شورای ملی مقاومت می داند. علت این امر در خصوصیات اساسی مقاومت انقلابی مسلحانه است که بشرح آن می پردازیم. الف- مقاومت مسلحانه انقلابی استقلال طلب است و این احتیاجی به استدلالات دور و دراز ندارد. خصوصیت و ماهیت نیروهای مقاومت مسلحانه و نقش سازمان مجاهدین خلق ایران بعنوان یک سازمان استقلال طلب

مقاومت و سابقه تاریخی مبارزات نیروهای این مقاومت؛ اینکه اساسا ایران مستقل در گام اول تنها از طریق سرنگونی رژیم حاکم میسر خواهد شد. مقاومت مسلحانه پیگیرترین حرکت را در رابطه با این امر انجام میدهد

و نیز تمایل اصلی مقاومت مسلحانه برای حل مسائل اجتماعی بشیوه رادیکال و تیز درک درست این جنبش مقاومت از استقلال در شرایط کنونی دلیل استقلال طلبی جنبش مقاومت است و همانطور که شیوه های ارتجاعی خمینی را در مبارزه اصطلاحاً "فلسفه امپریالیستی" عین زمینه سازی برای وابستگی میداند راه حل های به ظاهر "مستقل" ولی در عمق وابسته را بعنوان گرایشات بورژوازی در حل مسائل را رد می کنند. مقاومت پر شکوه مسلحانه، استقلال را در دیوار کشیدن بدور خود نمی بیند و بر اساس و با تکیه به منافع توده ها و بویژه محرومان و ستمکشان ایران سیاست داخلی و بین المللی خود را اتخاذ می کند. مقاومت مسلحانه انقلابی مدافع سیاست عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورهاست و متقابلا هر گونه دخالت در امور داخلی کشور ما را محکوم و قاطعانه در مقابل آن می ایستد. تا آنجا که به موضع ما بعنوان یک نیروی کمونیستی درون این جنبش مسلحانه انقلابی مربوط است، خود را مستقل از هر گرایش و تمایلی وابسته طلبی می دانیم و بعنوان کمونیستهای واقعی سپه دوستان اصیل و با برجاشی هستیم. بنا بر این مقاومت انقلابی مسلحانه مشت "ملی" بودن دروغین آنهاشیکه با یک گرمیه غرب، گرمی شان و با یک تشر شرق سردیشان می شود از میان می کند. تا آنهاشیکه احیاناً توهمی نسبت به این جنبش دارند بپوشید و دست آنها چه قرار گرفته است. جنبش مقاومت محتوم بات آن "کولمبار"ی که "ملی" گرایان دروغین مدعی حمل آتند، را در مقابل مردم قرار می دهد تا ثابت شود اگر شاه هم در حد اجرای قانون اساسی ۱۹۰۶ کوتا ه می آمد، این گروه ها چگونه بهترین قهرمان "شیر چه" برای تسلیم می شدند. مقاومت انقلابی زاویه مخالفت این آقایان را با رژیم خمینی به نحوی صریح و روشن عریان ساخته تا معلوم کند این مخالفتها نه از زاویه ترفیخواهی اجتماعی و استقلال طلبی واقعی بلکه از زاویه سوانعی است که رژیم حاکم در مقابل رشید سرمایه داری بقول آنها "آزاد" ایجاد کرده است.

از طرف دیگر مقاومت انقلابی مسلحانه در مقابل کسانی که مبارزه ضد امپریالیستی را در هر چه درشت تر نوشتن جمله "مرکز امپریالیسم" می بینند، بارها گفته که تنها کسی شد امپریالیست پیگیر و پابرجاست که با کاتال اصلی تثبیت سلطه امپریالیسم یعنی رژیم حاکم پیگیر ترین مبارزه را می کند. زیرا مساله اصلی هر انقلاب، مساله قدرت سیاسی است. هر کس که برای برانداختن سلطه امپریالیسم در سپه ما مبارزه میکند در گام اول باید پیگیرترین مبارزه را با قدرت سیاسی حاکم پیش ببرد و تنها بر این بستر است که می توان گرایشات رفرمیسترو لیبرالیستی و محافظه کارانه را ایزوله و منفرد نمود. حال هر کس می تواند در این میدان واقعی هنرنمایش کند و نه اینکه در کثیوت وار وبا شمشیر چوبین به جنگ اسباب بادی برود و اینسرا

بحساب مبارزه "فد امپریالیستی" بگذار د و در عمل شدید ترین مخالفتها را با جنبش مقاومت مسلحانه بنماید.

۳- مقاومت انقلابی مسلحانه مدافع دموکراسی است، زیرا هم بار اصلی مبارزه علیه ارتجاعی ترین رژیم تاریخ را که ضمناً عمده ترین رشد دموکراسی است به پیش می برد و خواهان مشارکت هرچه فعال مردم در این مبارزه و در امر تصمیم گیری در حکومت است. رسمیت شناختن اراده توده ها و مشارکت فعال و انقلابی مردم را در امر سرنگونی سازمان می دهد و اتخاذ غالبترین شکل مبارزه گامهای مهمی در امر

تسلیح عمومی مردم در کانونهای توده ای بر می دارد. تضمین نهائی این امر را مستلزم تسلیح عمومی مردم در شوراها و کانونهای مردمی می داند. طبعا تا شید مسائلی چون به رسمیت شناختن حقوق دموکراتیک زنان، آزادیهای دموکراتیک، حقوق ملیتها از طریق این مقاومت انقلابی صحت این امر را بیشتر نشان می دهد. اینها هم نباید فراموش کنیم که دموکراسی مانند هر مقوله دیگر بار اجتماعی- طبقاتی مشخص دارد و ضرورتهای رشد جنبش در هر مرحله از انقلاب نیروهای را از داشتن حق فعالیت سیاسی محروم می کند. بطور مثال انقلاب آینده ایران نمی تواند و نباید به نیروهای مدافع رژیم سلطنتی و رژیم خمینی حق فعالیت سیاسی بدهد. زیرا انقلاب مردم این نیروها را نفی و در واقع به رسمیت شناختن حق فعالیت سیاسی برای این نیروها یک اقدام ضد دموکراتیک و ضد انقلابی بوده و به معنی پامال نمودن حقوق توده هاست. مقاومت انقلابی مسلحانه با نفی نظامهای سلطنتی و ولایت فقیهی بر پلورالیسم سیاسی معتقد است. مقاومت انقلابی مسلحانه با درک درست از پلورالیسم سیاسی با کسانی که درک درستی نداشته و معتقدند که مثلا حق فعالیت سیاسی سلطنت طلبان و با احزاب شریک در جنایات رژیم خمینی باید به رسمیت شناخته شود، صریحا مخالفت می کند. توجیه جریانات اخیر اینست که اگر این نیروها بر حق نباشند، خود توده ها به آنها جواب رد می دهند. اینان در واقع و عملا انقلاب و حق توده ها را نفی می کنند، زیرا توده ها در انقلاب بهمن پاسخ منفی خود را به سلطنت طلبان و وابستگان بدانها داده اند. اینسرا هم نباید فراموش کنیم که کسانی که برای سلطنت طلبان (به هر شکل و هر نوع آن و حتی از نوع اسپانیائی و یا انگلیسی آن) حق فعالیت سیاسی (پس از انقلاب) قائل هستند، در واقع حق کسب قدرت را برای آنها به رسمیت می شناسند. زیرا هر فعالیت سیاسی کسب قدرت سیاسی است و گر نه باید به عجاب هفت گانه، گانه دیگری اضافه نمود و آن اینکه کسانی پیدا شده اند که فعالیت سیاسی می کنند بدون اینکه خواهند به قدرت سیاسی دست یابند. بنا بر این کسانی که اینقدر با رسمیت می شناسند درک محدود خود را دموکراسی را به نمایش می گذارند. مگر نه اینست که این اراده از بطن انقلاب توده ها بیرون می آید و حال باید از مدعیان به رسمیت شناختن حق فعالیت سیاسی بنبه در صفحه ۵

رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

انقلاب ..

بقیه از صفحه ۱

فقدان اعتماد در جهان امپریالیستی با خاک سپردن سیاست "خلکو نان قندی" خط مشی، تعرض با تمام قدرت و ایجاد تشنج را پیش گرفتند. اهداف انحصارات سرمایه‌داری آمریکا در اتخاذ چنین خط مشی عبارت بود از:

- ۱- احیاء و تثبیت هژمونی امپریالیسم آمریکا در جهان سرمایه‌داری و اعمار وابسته بدان
- ۲- سرکوب خشن انقلابات در سراسر جهان چه بطور مستقیم و چه بوسیله ابادی خود
- ۳- تقویت گرایش به راست و تثبیت آن در اروپا و جلوگیری از نفوذ و گسترش چپ
- ۴- جلوگیری از گسترش کانونهای انقلابی که بطور بالقوه امکان شعله ور شدن و بسیج آن وجود داشت.

گرچه در پشت این اهداف که با ابزار سرکوب و تشنج آفرینی اعمال می‌شد، اهداف اقتصادی متعدد و منجمد حفظ و گسترش بازارهای جهان وجود داشت ولی برای آمریکا در گام اول جنبه سیاسی آن برجسته می‌شد. این بدین معنی است که بدون حل سیاسی موانعی که در مقابل امپریالیسم آمریکا وجود داشت، تحقق خواستههای امپریالیستی غیر ممکن بود. شیوه‌ها، ابزارها و نهادهای قبلی برای مقابله با خلفهای سراسر جهان برای امپریالیستها و انحصارات سرمایه‌داری غیر کافی و بدون ترمیم آن منافع اقتصادی آنان تضمین نمی‌شد. از این جهت جنبه سیاسی استراتژی انحصارات برجسته و از کانال آن رقابتهای اقتصادی و تقسیم مجدد بازارهای اقتصادی برای انحصارات آمریکائی میسر می‌شد. در این مجموعه شرایط و موقعیت ریگان بقدرت می‌رسد. ریگان بمثابة نماینده هارتترین و ارتجاعی‌ترین جناحهای امپریالیستی ماموریت می‌یابد تا اهداف چهارگانه بالا را برای انحصارات آمریکائی تأمین نماید. این انحصارات با انتخاب ریگان و بویژه با ابقاء آن در دومین دور ریاست جمهوری عزم خود را به تعرض و تشنج آفرینی نشان دادند. هنرپیشه فیلمهای وسترن ماموریت می‌یابد تا نقش هفت تیر کبشایی را که با چند شلیک دهها رقیب را می‌کشد و خود سالم می‌مانند را در زندگی واقعی بنمایش بگذارد. طبعاً در دوران اضمحلال امپریالیسم و رشد سوسیالیسم، در عصر انقلابات سوسیالیستی و رهائی بخش خلفهای سراسر جهان، در شرایطی که انقلاب درفتن ظفرنمون خود را در چهارگوشه جهان بر افراشته است، در شرایطی که طبقه کارگر در سراسر جهان می‌رزد و به پیش می‌رود، در شرایطی که سوسیالیسم بمثابة یک سیستم تینا موجود و قدرتمند در حیات رو به رشد خود ادامه می‌دهد، پیشبردا این سیاست برای انحصارات آمریکائی، نمی‌تواند پیروزی استراتژیک بدست آورد. در مقابل سیاست امپریالیسم آمریکا روندهای گوناگون انقلاب جهانی هر یک بنا به شرایط و موقعیت خود، بشکلی مقابله نموده‌اند. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با انتخاب رفیق میخائیل گورباچف در مقابل این سیاست، روشی آرام و همراه با رگسود پیش گرفته بود. این شیوه عمل دیپلماتیک بویژه در خاورمیانه سبب پیشروی امپریالیسم آمریکا گردید.

نگاهی به نقشه ژئوپلیتیک خاورمیانه در دهه ۶۰ و ۷۰ و وضعیت کنونی این امر را به روشنی نشان می‌دهد. چنین وضعیتی با شاقه بعضی الزامات داخلی منجر به اتخاذ سیاستهای جدید از جانب اتحاد شوروی گردید. که اکنون توسط گورباچف بیان و توسط کنگره بیست و هفت حزب کمونیست اتحاد شوروی تثبیت خواهد شد. گورباچف در مصاحبه با مجله تایم نشان داد که درک روشنی از موقعیت و سیاستهای ریگان دارد. وی برای خنثی کردن سیاستهای تشنج آفرین ریگان دست به اقداماتی زد که در نوع خود بی نظیر بود. او حتی ابایی نداشت تا برای جلب افکار عمومی مردم آمریکا و حزب، نسبت به سیاست خودیه "خدای آسمانی" که شاهد اعمال مردم روی زمین است، توسل جوید. بهرحال آنچه مسلم است سیاستهای جدید اتحاد شوروی، موانع متعددی بر سر راه پیشروی انحصارات آمریکائی ایجاد خواهد کرد. هدف اصلی سیاستهای اتحاد شوروی خنثی کردن سیاست جنگافروزان و تشنج آفرین ریگان در عرصه بین‌المللی و گسترش مبارزه برای صلح جهانی است. با توجه بوجود اینها خط مشی است که ملاقات سران شوروی و آمریکا صورت می‌گیرد. قبل از ملاقات رهبران اتحاد شوروی و آمریکا، این رهبران هر یک بشیوه خود سعی کردند تا بخشهای بیشتری از جریانات و افکار عمومی بین‌المللی را بسمت خود جلب کنند. ریگان در مسافرت به اروپا در مقابله با موج عظیمی که علیه او ایجاد خوانسته بود، با بازدید از قبرستان نازیها، تمایل درونی خود را بپارز و به متحدین خود در اروپا اطمینان خاطر داد که تلاطمهای آنان را در مقابله با موج جنبش صلح خواهی و عدالتطلبی تلویحاً خواهد کرد. ریگان ضمناً تلاش نمود تا تمام نیروها را بر آورد واهی انتخاب آمریکا یا شوروی قرار دهد. وی بخصوص تأکید می‌کرد که با آمریکا بودن، یعنی بطور کامل در تمام زمینها باید با سیاستهای آمریکا همراهی کردن، در مقابل گورباچف با شعار صلح و تشنج زدائی و کاهش سلاحهای استراتژیک و مخالفت با جنگ ستارگان سعی نمود که بجز راست ترین جناحها در اروپا، نسام جریانات دیگر را بسمت سیاست اتحاد شوروی جلب کند. وی طی مسافرت به فرانسه و ارائه پیشنهادات خود در این کشور کوشید تا هر چه می‌تواند فرانسه را از آمریکا دور نماید. این کوشش تا حد بسیار زیاد موفق بود، بطوریکه ژاک شیراک کمیکی از رهبران جناح راست در فرانسه است در مناظره تلویزیونی با فابوس بخت وزیر فرانسه اعتراف نمود که تلاش گورباچف برای جدا نمودن فرانسه از متحد طبیعی اش (یعنی آمریکا) موفق بوده و مسئولیت این امر، که بنظر شیراک، لطمه‌ای به "دنیای آزاد" است بعهده حزب سوسیالیست می‌باشد. فابوس در جواب اعلام نمود که فرانسه در همه زمینهها با آمریکا همراهی نخواهد کرد. بهر حال گورباچف با چندین حرکت قابل توجه، بخش وسیعی از افکار عمومی مردم جهان را بسمت سیاست اتحاد شوروی جلب نمود. تا جایی که ریگان بناچار در مجمع عمومی ملل متحد اصل مذاکره بر سر تشنج زدائی را با این شرط که با مذاکره بر سر کانونهای جنگی که بنظر آمریکا منبع تشنج است، پذیرفت.

ریگان برای بردهوشی سیاستهای تروریستی و جنگ افروزان خود، کشورهایی همچون نیکاراگوئه، آنگو، اتیوپی، افغانستان را کامیوج را کانونهای تشنج نامید معلوم است که از نظر ریگان نابودی دولت انقلابی ساندینیست در نیکاراگوئه و استقرار یک دولت ارتجاعی و ضد مردمی به معنی استقرار "صلح" در این کشور است. در مقابل گورباچف بازم روی پیشنهادات خود تأکید نمود. طی یک ماه قبل از آغاز مذاکره، تلاش دیپلماتیک طرفین و کسانی که بنحوی از این مذاکره تأثیر می‌پذیرفتند اساساً برای در دستور قرار دادن پیشنهادات خود بود. در زیر بطور فهرست وار به بعضی از این تلاشها اشاره می‌کنیم.

در تاریخ ۶۲/۸/۸ ریگان به خبرنگار بی‌بی‌سی گفت: ملاقات با گورباچف فقط ممکن است تا حدودی فضای دشمنی بین دو کشور را از بین ببرد. وی اضافه کرد که مذاکرات نباید علنی و در ملا عام باشد.

در تاریخ ۶۲/۸/۱۰ ریگان برای اولین بار در مقابل خبرنگاران حاضر شد و نظرات خود را با خبرنگاران شوروی مطرح نمود. این دیدگاهها در مطبوعات شوروی پخش شد. در همین روز مقامات آمریکائی اعلام نمودند که پیشنهاد آمریکا مبنی بر کاهش بعضی سلاحهای هسته‌ای مورد توافق شوروی قرار گرفته است. ریگان ضمناً اعلام نمود که چند نکته مثبت در طرح اتحاد شوروی وجود دارد.

در تاریخ ۶۲/۸/۱۳، شولتز، وزیر امور خارجه آمریکا وارد شوروی شد و با وزیر امور خارجه ملاقات نمود و پیرامون کاهش سلاحهای هسته‌ای با رهبران شوروی مذاکره کرد.

در تاریخ ۶۲/۸/۱۴، مساله یورچینگو به مجادله سیاسی بین اتحاد شوروی و آمریکا تبدیل شد. یورچینگو در طرارت شوروی در آمریکا گفت: آمریکائیان وی را در رم ربوده و به آمریکا آوردند. متقابلاً وزارت امور خارجه آمریکا اعلام نمود که یورچینگو به میل خود به آمریکا پناهنده شده است.

در همین روز شولتز بمدت چهار ساعت با میخائیل گورباچف ملاقات و سپس اعلام نمود که مذاکرات مثبت و جو مناسبی در مناسبات طرفین بوجود آورده است.

در تاریخ ۶۲/۸/۱۵ دولت آمریکا مبلغ ۲۶ میلیون دلار برای ایجاد پایگاههای هوایی در ترکیه تصویب کرد. در تاریخ ۶۲/۸/۱۹ سران رژیم خمینی و نیز مطبوعات رژیم خمینی اعلام نمودند که دو ابر قدرت می‌خواهند جهان را ببلند و علیه مستضعفین اقدام می‌کنند.

در تاریخ ۶۲/۸/۲۴ اسحق رابین در آمریکا گفت، مقامات آمریکا با شرکت شوروی در طرح صلح خاورمیانه شدیداً مخالف می‌باشند. در همین روز رفسنجانی شدیداً به آمریکا و شوروی حمله کرد. وی بخصوس شوروی را بخاطر حمایت از عراق مورد حمله قرار داد.

در تاریخ ۶۲/۸/۲۶ گورباچف وارد ژنوشد. در تاریخ ۶۲/۸/۲۸ در حالیکه اولین دور مذاکرات سران آمریکا و شوروی صورت می‌گرفت، یکی از همسران گورباچف گفت: مساله خاورمیانه در مذاکرات مطرح خواهد شد. در همین روز کشورهای عربی رسماً از طرفین

بقیه در صفحه ۷

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

در مطبوعات رژیم

وضعیت زنان ناغل در ایران

یکی از کارمندان زن می گوید: موقع کار کردن از ما کار می کشند ولی حقوق کم می دهند. هیچگونه تسهیلاتی هم قائل نیستند. من بچه ام را در مهد کودک وزارتخانه می گذارم ولی فقط مکان این مهد کودک را وزارتخانه در اختیار مهد قرار داده است و هر ماه بابت شهریه بچه ام از من ۹۰۰ تومان می گیرند. این فقط بابت شهریه است و واقعا خیلی زیاد است آخر من چقدر می گیرم که ۹۰۰ تومان بابت مهد بپردازم... (روزنامه کیهان پنج شنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۴)

به تخممن نیاز است ولی چون "زن" شتم مرا استخدام نمی کنند.
فارغ التحصیل رشته الکترونیک از دانشگاه تهران شتم فقط بعلت اینکه زن می باشم شرکت مخابرات از استخدام اینجانب خودداری میکند در صورتیکه برای آن شرکت با توجه به رشته تحصیلی خود می توانم مفید واقع گردم. در ضمن متأسفانه این موضوع هم اکنون در اکثر ادارات و وزارتخانه ها جا افتاده و از استخدام خانمهای صاحب تخصص خودداری میکنند در صورتیکه هم اکنون در دانشگاههای ما مسووعیتی برای پذیرش دختران نیست ولی استخدام آنها عملاً ممنوع است. خلاصه نمی دانم به کجا مراجعه کنم و آیا باید بعد از اینهمه درس خواندن، خانه نشین باشم یا خیر.
(روزنامه کیهان چهارشنبه ۲۷ آذر ۱۳۶۴)

دوشهر ما

۷۰ هزار نفر با یک حمام!

۷۰ هزار نفر جمعیت این شهر تنها یک حمام دارند. بارش اگر یکسوم این جمعیت روزانه بخواند استحمام کند یک گروه ضعیف نیروی را تشکیل میدهد. صحنه را مجسم کنید... طبق عادت صبحی بیان می آید و... و با احتساب این که هر روز یکساعتی موفق به استحمام شوند، نترات آخری حدود یک هفته باید در صف (نوبت) بالنظار باشد! همین خاطر است که اهالی بومی شاهین شهر برای استحمام به اصفهان میروند.

شاهین شهر حدود ۷۰ هزار نفر شامل اهالی بومی، چرگردگان و اقلیت جمعیت دارد و برای این تعداد تنها یک حمام وجود دارد که آنگاه از لحاظ بهداشتی و پاکیزگی زیر صفر است. عدم بهداشت و کثرت جمعیت، اهالی را روانه کویهای پاکیزه نگهداشتن بدن خود به حمامهای اصفهان میبرد که خود دربرگیرنده انواع وقت و هزینه آبیاری نصاب است.

این شهر تنها مختلش کمبود شدید حمام بهداشتی نیست، امکانات تفریحات سالم برای بزرگسالان و خردسالان هم ندارد. در این شهر کودکان هم از داشتن پارک بازی محروم هستند ولیز در شهر که بگردی، یک شیراب عمومی نمی بینید. با این وضع همین میتوان گفت اگر کسی که ره به حمام نرود به خواهد خود را از آثار اصابن لایکیزگی جسم رها کند و به تکلیف روح بپردازد و تنها یک مشت آب در گوشه ای از شهر به سرویسورت خود بزند، یافت نخواهد کرد. ز یادمان نرود که در این شهر مابین کوچه هریبنا نمیشود، کدنگار در مقابل اراکه کوی سگره فرهمینکند اما بدون دفترچه، باخوبی و یک قلب صابون درجه چند را با چند تومان معاوضه میکند.

شاهین شهر یک ماههای دیگر هم دارد که شهریارو یا سازمان ذریعہ دیگر بچلشن مبادرت نورزیده است و آنم ایجاد میدان تفریحی میران است که بافت پروژه تعدادات خونین خدمات و سخن آخر این که شایبه خهراری در این منطقه رعایت نمیشود و هواره خانه های جدیدالاجداث مثل قارچ از زمین میروند و شهراری هم نظاره گری بی آزار است.
شهرود شاهین شهر

کیهان

پنجمه ۲۸ آذر ۱۳۶۴
شماره ۱۹ - شماره ۱۳۳۳

قیام

بقیه از صفحه ۱

گاهش قدرت بسیج نیرو برای جنگ که خود ناشی از ترفیر عمومی مردم از جنگ و بی زاری آنان از رژیم می باشد، پفکر افتادند که بشیوه جدید از احصاسات مذهبی مردم استفاده کنند. آنان تعدادی از مزدوران و اوباشان خود را که تجلی لشکر جهل بود، تحت عنوان لشکر کربلا براه انداختند و اینگونه وانمود کردند که این شرکت خود بخودی مردم بوده و توصیه کردند که از همه نقاط چنین اقداماتی صورت گیرد.

واضح بود که این اقدام رژیم نمی تواندمورد استقبال مردم قرار گیرد، و این در حالی بود که شدت و حدت تضاد ها در جامعه و نیز وجود مقاومت مسلحانه انقلابی مردم قضا را برای تنفس رژیم تنگین خمینی تنگ تر می کرد. سران رژیم برای اینکه انعکاس این تضادها در بین خودشان موجب تلاشی آنان نگردد تصمیم گرفتند که تا خمینی زنده است، ولیعهد وی را رسماً اعلام نمایند. بدین جهت در تاریخ ۲ آذر، مجلسی خبرگان ولایت قیامه، منتظری را بسمت جانشین خمینتر اعلام نمود و این در حالی بود که رژیم برای جبران نیرو در جبهه ها، هفته بسیج اعلام نموده بود. سپس در

رژیم جنگ افروز خمینی به کارخانجات و کارگاهها و حتی موسسات و ادارات و مغازه ها برای شناسایی مشمولین غایب گرد. حاضر نیستند به جنگ بروند حمله می برد و آنان را به اعزام اجباری می فرستد. اخیراً سرهنگ رزمجو معاون فرمانده زاندارم ری رژیم در امور وظیفه عمومی در گفتگو با کیهان رژیم در دو دیماه ۶۴ اعلام کرده که با طرحی که در مجلسی تحت بررسی است کلیه نیروهای انتظامی موظف به شناسایی و دستگیری مشمولین غایب خواهند شد و مشمولین غایبی که دستگیر شوند شش ماه بیشتر از بقیه خدمت خواهند کرد. وی همچنین گفت بموجب این ماده واحده کارفرمایانی که مشمولین غایب را به خدمت بگیرند به حکم دادگاه از یک تا شش ماه به تعطیلی موسسه یا کارخانه محکوم خواهند شد و چنانکه خود صاحب کارخانه یا موسسه مشمول باشد تا تعیین تکلیف مشمولیت، کارگاه وی تعطیل خواهد ماند.

نابود باد جنگ: مرگ بر خمینی؛ زنده باد صلح و آزادی



مجاهد خلق فریاد خندان روشکی در اوایل آذر ماه در زندان اوین بشهادت رسیده است.
در تاریخ ۱۸ آذر ماه، مجاهد فیروزه سلیمانی در اثر بیماریهای ناشی از شکنجه در بیمارستان هاشمی تیزاد تهران بشهادت رسیده است.

(بمنقل از نشریه مجاهد شماره ۲۷۳)

در ۷ آبانماه گذشته ۲۵ تن از زندانیان سیاسی در قزل حصار به شهادت رسیده اند.

در تاریخ ۲۱ آبانماه گذشته مژخیمان خمینی در زندان اوین ۲۰ تن از مجاهدین را به شهادت رسانده اند.

(بمنقل از نشریه مجاهد شماره ۲۷۴)

مجاهد خلق حسین قزوینچی روز ۸ دیماه در ساری زیر شکنجه های وحشیانه مژخیمان خمینی بشهادت میرسد در هفته سوم آذر ماه مجاهد خلق حسن نیگفرد رلنگرود بدست مژخیمان خمینی تیرباران شد.

(بمنقل از نشریه مجاهد شماره ۲۷۵)

رفیق حمید روشفکر از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در روز هفتم اردیبهشت ماه ۶۳ زیر شکنجه های وحشیانه مزدوران رژیم جان باخت.

(بمنقل از نشریه راه کارگر شماره ۲۱)

در تاریخ ۹ آذر، نیروهای سرکوبگر رژیم اقدام به یلک مانور سرکوبگرانه در تهران وبعضی شهرستانها نمودند آنان با نظامی کردن فضای جامعه، ترس خود را از قیام مردمی نشان دادند. رژیم بطور آشکار و صریح هدف خود را از مانور خندق، جلوگیری از قیام علیه رژیم اعلام نمود. در همین روز خمینی پس از مدتی دوباره ظاهر شد و به مزدوران خود دلگرمی داد. مجسمه حرکات رژیم طی همین مدت کوتاه نشان می دهد که قیام مسلحانه مردمی علیه رژیم کابوسی است که خواب شیرین را از سران رژیم سلب کرده است. واقعیت اینست که نه هفته بسیج، نه راه انداختن لشکر جهل موسوم به لشکر کربلا، نه مانور خندق و نه تعیین جانشین برای خمینی نمی تواند مانعی برای گسترش اعتراضات مردمی و مقاومت مسلحانه انقلابی گردد و هر ترفند رژیم خود دلالت بر آنچنان اوضاعی می کند که در چشم انداز قیام مسلحانه توده ای را نشان می دهد. قیاسی که بساط تنگین رژیم خمینی را در هم خواهد پیچید.



نابود باد امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

نقش ...

بقیه از صفحه ۲

برای سلطنت طلبان و مدافعان خمینی پرسید آیا شما با رسمیت دادن به این حق، اراده نودها و حق توده‌ها را پایمال نکرده و انقلاب را فدای این شکل خاص از دموکراسی ننموده اید؟

صرفنظر از جنبه شوریک این را هم باید روشن کنیم که در واقعیت یعنی چنین شکلی از دموکراسی در هیچ نقطه عالم تحقق نیپذیرفته و تمام تجربیات موجود صحت این ارزیابی را که، آن گرایش‌ها و تفکرات سیاسی-ایدئولوژیک که متعلق به جریان‌هاست می‌رود جامع و مدافع آن هستند و انقلاب و اراده توده‌ها (یعنی مفهوم واقعی دموکراسی) آن را نفی می‌کنند، نمی‌توانند زیر پوشش دموکراسی حق توده‌ها را پایمال کنند.

مقاومت انقلابی سلححانه با وفاداری بر اراده مردم نمی‌تواند حق سلطنت طلبان و خمینی گرایان را برای فعالیت سیاسی به رسمیت بشناسد. تنها در صورتی می‌تواند چنین حقی را به رسمیت بشناسد که اولاً انقلاب و در ثانی خود را نفی کند. پس از این امر است که می‌توان میزان دفاع هر نیرو و فرد را از دموکراسی در شرایط کنونی تشخیص داد. این را هم باید اضافه کرد که علاوه بر این درک راست روانه از دموکراسی باید با درک چپ روانه و سکتاریستی از دموکراسی که خواهان دموکراسی پرولتری در این شرایط و حدت

هسته نیروهای اجتماعی بجز پرولتاریا در امر مشارکت در زندگی سیاسی هستند مرزبندی نمود، و طبیعتاً ما به این موضوع در مقاله نمی‌پردازیم که مدافعین درک اخیر با ادعاهای تو خالی از اینگونه، تا چه حد جهل و نادانی خود را از تجربیات انقلابات و آثار تئوریک که محصول جمعیت‌دینی این انقلابات است بنمایش می‌گذارند و عملاً در خدمت نیروهای راست قرار می‌گیرند. همچنین مقاومت سلححانه بمثابة تنها نیروی رزمنده واقعی در مقابل رژیم نمی‌تواند و نباید از مبارزه سیاسی برای منفرد کردن مدعیان دروغی دموکراسی که اساساً نیروهای راست هستند، دست بردارد. زیرا عملاً این نیروهای "راست" هستند که با چارو جنگال و هیاهو می‌خواهند مفهوم واقعی دموکراسی را مخدوش نمایند تا حیات انگلی آنها چند روزی بیشتر ادامه یابد. و گرنه در این هم شکی نیست که اگر بر فرض محال مقاومت انقلابی سلححانه پس از پیروزی در مقابل حقوق دموکراتیک و مشارکت توده‌ها بایستد، به همان سرنوشتی دچار خواهد شد که سلطنت شد. و بدون شک خمینی هم نیز بدان دچار خواهد شد.

اما اگر از این فرض بگذریم و اگر میزان دفاع مقاومت انقلابی سلححانه از دموکراسی را در کلیت آن بسنجیم خواهیم دید صحنه واقعی مبارزه برای دموکراسی در شرایط کنونی میهن ما و تضمین کننده آن در این مرحله از رشد مبارزه مقاومت سلححانه موجود است. اگر کسی هر چه از "مردی و زور" برای تحقق دموکراسی دارد باید با همین مقاومت بک گام و هماهنگ کند. چه مقاومت سلححانه انقلابی مدافع صلح است. بجز آن می‌توان گفت که شعار صلح و مبارزه جنبش مقاومت سلححانه برای صلح پاشنه اشیل همه مخالفین رنگارنگ این جنبش است. بویژه آنکه امروز صحبت از صلح بطور کلی و صلح خواهی بطور مجرد بک گزافه گویی است. مقاومت انقلابی سلححانه در رابطه با صلح

بطور مشخص وارد صحنه شده است با ابتکارات جالب جهانیان را متوجه جنگ خانمانسوز ایران و عراقی نموده است. طرح صلح شورای ملی مقاومت مورد توجه بسیاری از مردم جهان و نیروهای سیاسی بین‌المللی قرار گرفته است اما بعطت خرابکاری حزب خاشن توده و جریان خاشن موسوم به اکثریت در رابطه با این جنبش مقاومت که در سطح بین‌المللی می‌شود، هنوز بعضی نیروها و جریان‌هایی که باید از جنبش مقاومت حمایت کنند، سکوت اختیار کرده‌اند که سلماً این سکوت خواهد شکست. شعار صلح وسیعاً در میان توده‌های مردم ایران رسوخ کرده و بزرگترین پشتیبان حرکت جنبش مقاومت در رابطه با صلح، مردم ایران هستند. مساله صلح آنقدر برای مبارزه مردم ایران حیاتی است که عیر از بقاومت سلححانه انقلابی که پیشتر طرح مساله صلح بود، بتدریج دیگر نیروهای سیاسی با فاصله زیاد و با اما و اگر مدافع صلح میشوند و البته گر چه این اقدام با تاخیر بسیار صورت میگیرد اما در حد ناچیز خود نیز سودمند است. جنبش سلححانه انقلابی در مقابل تمام نیروها و برای مشخص کردن دفاع هر نیرو از صلح این سوال را مطرح کرده که برای هیچ مردم پیرامون شعار صلح و سازمان دادن انرژی توده‌ها در این رابطه و استفاده از این انرژی بعنوان یک اهرم قدرتمند در امر سرنگونی رژیم چه باید کرد؟

پاسخ به این سوال مشخص کننده موضع داخلی نیروهای سیاسی است. کسانی که بطور کلی از صلح صحبت می‌کنند بدون اینکه مشخص نمایند چه فعالیت عملی در این رابطه سودمند است، نیز واقع صلح اعتقادی به صلح ندارند. پاسخ مقاومت انقلابی سلححانه در این رابطه چنین است:

۱- باید شعار صلح را وسیعاً میان توده‌ها برود، بجای جنگ را برای آنها تشریح نموده و از هر ذره ناراضی مردم در جهت گسترش جنبش صلح خواهی سود جست. باید سربازان را تشویق نمود تا از جبهه‌های جنگ فرار نموده و آن نیروهای نظامی که قادر به انجام عملیات نظامی هستند را تشویق نمود تا در جبهه‌های جنگ اخلال ایجاد کنند، باید پشت جبهه نیروهای خمینی را وسیعاً ست نمود و روحیه یاس و نومیدی از پیروزی را، از طریق افشا شکستهای رژیم دامن زد. باید مردم را تشویق نمود تا از کسانی که از سربازی فرار نموده و به نیروهای مقاومت می‌پیوندند کمک نموده و از آنها خواست تا فرزندان خود را به جبهه‌های جنگ نفرستند. باید اخبار شکستهای رژیم، خطرات ناشی از ادامه جنگ را هر چه گسترده تر برای مردم تشریح نمود.

۲- باید از هر امکان بین‌المللی در جهت ایزولاسی نمودن رژیم خمینی استفاده نمود. باید تمام تضادهای موجود جهانی را در رابطه با خاتمه جنگ تشدید نموده و از این جهت فشار بین‌المللی علیه رژیم حاکم را افزایش داد. دریک کلام باید بک جبهه عملی از نیروهای بین‌المللی صرفنظر از ماهیت آنها علیه رژیم خمینی بوجود آورد و با شرکت در تمام مجامعی که در رابطه با جنگ ایران و عراق تشکیل می‌شود، صرف نظر از ماهیت و ترکیب این مجامع، بشرطی که خواستار پایان دادن جنگ و برقراری صلحی عادلانه و دموکراتیک باشند شرکت نموده و خواسته‌های مردم ایران را در این

باره مطرح نمود. این دو وظیفه بمعهد نیروهای طرفدار صلح می‌باشد. حال هر کس و هر نیرو می‌تواند کلاه خود را قاضی کند و ببیند چه نیروی بیش از هر جریان دیگری در این رابطه فعالیت کرده است، سلماً اگر صدقانه قضاوت شود و مجموعه فعالیت‌های سیاسی پیرامون صلح را جمعیت‌دینی نمایم. مشخص می‌شود که اکثریت نزدیک به تمام این فعالیت را شورای ملی مقاومت بمعهد گرفته است.

امروز نیروهای مقاومت سلححانه برای پیشبرد مساله صلح بیشترین انرژی را اختصاص داده‌اند و شدیداً بدنبال اتخاذ ابتکار عمل‌های جدید در این رابطه هستند. روشن است که نیروهای مقاومت سلححانه انقلابی با تجربه و تحلیل شرایط به اشکال متعددی تاکنیکی در این رابطه دست خواهند یافت. این دیگر مخالفین جنبش سلححانه هستند که باید دلایل مخالفت و یا سکوت خود را در مقابل فعالیت گسترده داخلی و بین‌المللی مقاومت سلححانه روشن نمایند. آیا با این سیاست بدین علت مخالفت که با عراق که با رژیم خمینی در حال جنگ است نباید مذاکره نمود (آنهم مذاکره علنی)؟ در این صورت این دسته از مخالفین باید روشن کنند که مگر تاکنون در تاریخ موردی در نظر دارند که مذاکره برای صلح با نیروی خودی مطرح بوده است؟ و آیا علیرغم هر ماهیتی که دولت عراق دارد، در این تردید است که در شرایط کنونی و

عراقی که ما در دوران بحران انقلابی و سرنگونی رژیم خمینی بسر می‌بریم. مگر نه اینست که بمثابة التراناسیو دموکراتیک برای سرنگونی رژیم خمینی و استقرار دولت موقت انقلابی تلاش می‌کنیم. آیا تدارک برای صلح بمثابة جزئی از تدارک قیام نیست، به خصوص مخالفین سکتاریست سیاست صلح پیرامون مسائلی که قبل از سرنگونی کورسکی و پس از آن در مذاکرات برست. لیتوفسک صورت گرفت چه می‌گویند؟ آیا اتخاذ سیاست صلح و ارائه طرح صلح و مذاکره برای قبول این طرح اقدامی علیه منافع مردم ایران است؟ عراق است و آیا مردم ایران صلح نمی‌خواهند؟ آیا کسانی که پس از قطع بک هفته‌های بمباران مردم بیدفاع بعطت احساس مسئولیتی ذاتی خود به رژیم خمینی، به روزنامه‌ترین شکل تیترا اخبار رادیو اسرائیل را تیترا روزنامه خود می‌کنند، سر در آخور رژیم جنگ طلب خمینی ندارند؟ و آیا این مخالفت با سیاست صلح دلالت بر تأیید سیاست "صدور ارتجاع" خمینی ندارد.

وقتی صلح شکست سیاسی حکومت باشد، آیا حق این نیست که نیروهای مختلف مردمی، صلح طلب و ترقیخواه بطور جدی از طرح صلح شورا حمایت نمایند؟ این نکته را هم برای آن دسته از نیروهای راست که می‌خواهند با چارو جنگال به ما اتهام وطن فروشی بزنند می‌گوییم، که مخالفت‌های شما با سیاست صلح عین وطن فروشی است. میهن دوستان واقعی هم‌بسیار نیروهای مقاومت سلححانه هستند و فعالیت‌های مخرب شما در رابطه با این سیاست اگر نتیجه‌ای داشته باشد

نقش ...

بقیه از صفحه ۵

آن نتیجه در جیب جنگ افروزی رژیم خمینی ریخته خواهد شد.

۴. مقاومت انقلابی. سلاحان دارای پایگاه وسیع توده‌ای و متکی به مردم است. این مساله که در وضعیت موجود نیروهای جنبش مسلحانه از بیشترین پایگاه توده‌ای برخوردارند. امریست که حداقل تحریم انتخابات اخیر رژیم بخوبی آنرا نشان داد. طی فعالیت انقلابی مسلحانه نه فقط از نفوذ توده‌ای این جنبش کاسته نشده، بلکه بر حیثیت داخلی و بین‌المللی آن افزوده شده است. این مقاومت بعلمت اینکه ابتکار عمل سرنگونی رژیم را در دست دارد. بر خلاف نظرات و اندیشه‌های رفرومیستی - اپورتونیستی که رژیم خمینی را تشبیه شده و مبارزه توده‌ها را در حالت رکود میدانند روز به روز در مسیر مبارزه توده‌ها دخالت جدی تر می‌کند. اتکا، نیروی مقاومت به مبارزه مسلحانه انقلابی بعنوان شکل اصلی مبارزه و بکار گیری اشکال دیگر مبارزه در این رابطه خملت تداوم کاری این مبارزه را افزایش داده است. امروز چه در کردستان و چه در سراسر ایران یک مقاومت مسلحانه مردمی جریان دارد و تردیدی نیست که اگر حمایت فعال مردمی از این مبارزه انقلابی نبود، جنبش مقاومت قادر به اینگونه حرکات (مثل تبلیغات تحریم انتخابات در شرایط اختناق کنونی نبود. استقبال، حمایت و جانفشانی مردم است که به کالبد پر تحریک نیروهای مقاومت انقلابی مسلحانه خون جدید می‌رساند و آنرا تغذیه می‌کند. در رابطه با خونپاشی که از یکسر رشید ترین فرزندان خلق ما بر زمین ریخته می‌شود مبارزه مسلحانه انقلابی مسئولانه از آن حراست نموده و یک لحظه به فرمت طلبان و میوه چپستان اجازه نمی‌دهد که بر موج مبارزه توده‌ها سوار شوند. این جنبش برای تحقق عدالت اجتماعی و حقوق زحمتکش مبارزه میکند. در یک کلام جنبش انقلابی مسلحانه با خصوصیات فوق‌الذکر برای تدارک قیام مسلحانه سراسری و مردمی مبارزه می‌کند. قیام مسلحانه مردمی، هویت این جنبش را معین می‌کند جنبشی که با این خصوصیات در گیر نبردی خونین و پیر شکوه، که جبهه‌های آن در چهار گوشه ایران، در پناه گاههای خوین کردستان، درون کارخانه‌ها، محلات مزارع، سربازخانه‌ها، مدارس دانشگاهها گسترده شده است. در این بیکار سهمگین نمونه‌های فداکاری و از خود گذشتگی می‌بینیم که در تاریخ بی سابقه است. مسلما جنبشی با این خصوصیات نمی‌تواند برای مجموعه نیروهای موجود در ایران و جهان مساله ای بی اهمیت باشد. تلاش وسیع برای درهم شکستن جنبش مقاومت، نشان دهنده نقش و اهمیت آنست. مساله اصلی جنبش مسلحانه، مساله مردم و انقلاب است و مخالفتهای غیر اصولی و کین‌توزانه با مساله و مسلحانه و رجزخوانی‌های مبتذل علیه این جنبش، گویند بر طبل تو خالی در محیط خارج از کشور است و برای توجیه بی‌عملی است. اما از آنجا که جنبش انقلابی مسلحانه تصمیم قطعی بر سرنگونی رژیم ارتجاعی خمینی گرفته است، مساله تبلیغ پیرامون این جنبش از اهمیت زیادی برخوردار است. تبلیغ وسیع توده‌ای مساله ایست که مقاومت مسلحانه بطور

جدی در جهت آن حرکت می‌کند. اما هنگامی که این موضوع در مقیاس هدفی که در مقابل این جنبش است بررسی شود و با توجه به امکانات بالقوه‌ای که جنبش در اختیار دارد کمبودهای کار روشن خواهد شد. تدارک قیام مسلحانه سراسری و توده‌ای احتیاج حیاتی به گانالیزه کردن و سازمان دادن نیروهای اجتماعی درگیر در این نبرد دارد. تبلیغاتی که در خدمت امر تدارک قیام مسلحانه باشد نمی‌تواند دارای مختصات ویژه این پدیده نباشد. توده‌های مردم که به سمت مبارزه انقلابی جلب می‌شوند، باید بشکلی متشکل شوند. اینکه نیروهای پیشرو چگونه شعارها و اخبار جنبش را به میان توده‌ها ببرند، اینکه چگونه مبارزه جداگانه واحدهای مقاومت و توده‌های مردم بیکدیگر متصل شده و خملت سراسری و سازمان یافته پیدا کنند مساله ایست که نه فقط احتیاج به رهبری سیاسی بلکه همچنین احتیاج به امکاناتی دارد که بتواند رهنمودهای اساسی را وسیعاً به میان توده‌ها برده

اینکه مردم ناراضی هستند و رژیم را نمی‌خواهند کافی نیست. این امر لازم هنگامی تکمیل می‌شود که توده‌ها با رهنمودهای عملی بدانند چگونه مبارزه کنند و چگونه مبارزات جداگانه خود را متشکل و پیرامون مبارزه مسلحانه انقلابی اشکال دیگر مبارزات خود را توسعه دهند. پیشبرد تبلیغات و رساندن صدا و اخبار مقاومت بگوش مردم، شور انقلابی را در آنان افزایش می‌دهد و ویژه در شرایطی که رژیم کنتراول تمام دستگاههای تبلیغاتی خود را متمرکز و افزایش داده، این سکوت را می‌شکند. جنبش انقلابی مسلحانه بویژه در رابطه با گسترش موج صلح خواهی باید به نقش تبلیغات و رساندن اخبار جنبش صلح بگوش مردم هر چه فعالتر شود و در این رابطه از امکانات بین‌المللی باید به نحو احسن استفاده کرد. تمام جنبش‌های انقلابی و رهائی بخش جهان از این امکانات بین‌المللی استفاده کرده‌اند.

همانطور که در ابتدا گفتیم مقاومت مسلحانه انقلابی جریانی است استقلال طلب و میهن‌دوست زیرا استراتژی و تاکتیک خود را نه بر اساس منافع این یا آن قدرت خارجی بلکه بر اساس خواست و اراده مردم ایران قرار داده است.

این جنبش بر اساس اصل پایه‌ای می‌تواند و باید خود را در مناسبات بین‌المللی بازم بیشتر مطرح و از شرایطی که بسود مبارزه مردم ایران خواهد بود بنحو کامل استفاده نماید. در این شکی نیست که تمام قدرتهای بین‌المللی (چه ترقیخواه و چه ارتجاعی) هنگامی که وارد مناسبات با ما می‌شوند، اهداف و منافع مشخصی را دنبال می‌کنند که اساساً متکی بر اهداف و منافع است که در چهار چوب کشور خود آنرا دنبال می‌کنند. مردم ما در مورد این مساله نباید دچار هیچگونه توهمی باشند مساله اصلی و مرکزی در این رابطه اینست که جنبش مسلحانه چگونه با اتکا، به این اصل که عامل تعیین کننده و لازم در انقلاب رهائی بخش مردم، مبارزه خود مردم محروم و زحمتکش میهن ما و فعالیت نیروهای مقاومت در سنگر اصلی‌شان یعنی در مبارزه داخلی کشور است، از شرایط بین‌المللی بهره جوید. البته هنگامی که رهبری جنبش انقلابی مسلحانه قدم‌های اساسی در راه منافع مردم ایران بر می‌دارد

نغمه‌های شوم و بعضاً مایوس‌کننده نیز بلند می‌شود. اما گذشت زمان حقانیت راهی که متکی به استقلال، دموکراسی، صلح و عدالت اجتماعی است را به نمایش می‌گذارد. پس از ملاقات آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت با معاون نخست وزیر عراق، نیز سرو صداهای بسیار از جانب نیروهای بازدارنده انقلاب و ضد انقلابیون سلطنت طلب برخاست و لسی آنچه این حرکت را بعنوان حرکتی مردمی در قلمب مردم میهن ما جا انداخت، جوهر صلح خواهی، میهن دوستی، استقلال طلبی و مردم دوستی حاکم بر این حرکت بود. ما بعنوان نیروی انقلابی و کمونیست که بیش از هر چیز به استقلال کامل خود می‌اندیشیم و یکی از مهمترین ارکان و سیاست خارجی حاکمیت انقلابی و مردمی ایران را اتکا، بر استقلال، حقوق تعیین سرنوشت و احترام متقابل بین‌المللی، دفاع از صلح جهانی و عدم دخالت در امور داخلی دیگران می‌دانیم. ما انتظار داریم نیروهای صلح طلب، ترقی خواه و پیشرویی که مجموعه آنها نیروهای جهانی جنبه انقلاب علیه امپریالیسم را تشکیل می‌دهند از مقاومت مسلحانه انقلابی بعنوان تنها جنبشی که در شرایط کنونی می‌تواند رژیم جنگطلب و تشنج آفرین خمینی را که عامل بحران زایشی در منطقه (سیاستی که با سیاست جنگ افروزترین جناحهای امپریالیسم جهانی منطبق است) نیز می‌باشد سرنگون سازد حمایت فعال نمایند. علاوه بر آن ما همچنین بعنوان نیروهای انقلابی و کمونیست، جنبش مسلحانه انقلابی را مجاز می‌دانیم که از هر شرایط مناسب بین‌المللی و منطقه‌ای استفاده فعال بسود مردم ایران بنماید. جنبش مسلحانه انقلابی نمی‌خواهد در آینده در دادگاه تاریخ بعلمت سهل انگاری و عدم توجه به این امر مورد نکوهش قرار گیرد. تبلیغ پیرامون جنبش انقلابی مسلحانه یک وظیفه انقلابی است. در این راستا و در جهت منافع مردم ایران و منفرد کردن جریان‌های مخالف مقاومت مسلحانه انقلابی باید از هر امکان داخلی و بین‌المللی سود جست.

۵۲۶ ...

بقیه از صفحه ۸

رقص و پایکوبی در خیابانها پرداخته و شیرینی پخش می‌کردند. گرچه این یک پیروزی برای مردم بود ولی به معنی دست یابی مردم به منافع حیاتی آنها نبود و چنان شد که بدلیل نبود یک رهبری انقلابی روحانیت و متحدینش قدرت را از دست مردم ربودند. سرنگونی خاندان شاهنشاهی برای توده‌ها تجربه‌ای بزرگ بحساب می‌آید. این تجربه به توده‌ها می‌آموزد که بایسته سازمانهای صلح توده‌ای خود را بوجود بیاورند و با شرکت در مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم خمینی از طریق قیام مسلحانه توده‌ای، رژیم خمینی و تمام ارگانهای نظامی، انتظامی و اداری را نابود کنند و قدرت واقعی خود را مستقر کنند. تردیدی نیست که اگر خلقهای ایران مسلح و سازمان یافته شوند هیچ نیروی نمیتواند دست آورد انقلاب آنان را برآید مردم ایران از تجربه سرنگونی شاه این را بطور نسبی آموخته و باز هم خواهند آموخت.

انقلاب ...

بقیه از صفحه ۲

خواستند که جنگ ایران و عراق در مذاکرات مطرح شود. در تاریخ ۶۴/۸/۲۸ نخست وزیر اسرائیل، شیمن پریز طی یک سخنرانی گفت: اگر شوروی با اسرائیل تجدید رابطه نماید، دولت اسرائیل با شرکت در صلح مخالفت نخواهد کرد. دولت اسرائیل همچنین از رهبران جهان خواست برای عزیمت یهودیان اسرائیل از شوروی اقدام نمایند. در همین روز نخست وزیر رژیم خمینی در رابطه با ملاقات سران شوروی و آمریکا شنبه به طرفین حمله کرد. خبرگزاریها احتمال طرح مساله جنگ ایران و عراق را در مذاکرات زیاد دانستند.

پس از پایان مذاکرات مقامات مهم دو کشور برای توضیح نتایج مذاکرات برای متحدین موقت و دائمی خود اقدام به مسافرتهای متعدد نمودند. ریچارد مورفی به اسرائیل و مصر مسافرت نمود و معاون وزیر امور خارجه شوروی به فرانسه مسافرت نمود. طرفین همچنین مواظبت کردند که در سال میلادی آینده گورباچف از آمریکا بازدید و در سال بعد ریگان از شوروی بازدید نماید. با وجود اینکه نتایج مذاکرات بر اساس توافق طرفین غیر علنی اعلام شد، ولی هر یک از طرفین بنحوی از مذاکرات ابراز رضایت نمودند. روزنامه پراودا ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی در اولین اظهار نظر خود نوشت رهبران دو کشور در مذاکرات خود زمینه مناسبی برای اینکه جنگ هسته‌ای پیروز نخواهد شد بدست آوردند. در تاریخ اول آذر ریگان در بازگشت به آمریکا مسوود استقبال نمایندگان کنگره و ستا قرار گرفت و در حالیکه روزنامه های شوروی نوشتند که، گذشت زمان اثرا ت مذاکرات را نشان خواهد داد. در همین روز ستای آمریکا دادن هواپیما و هلیکوپتر نظامی را به شد انقلاب بیون

در مجلس ...

بقیه از صفحه ۱

ماهیت این مجلس می باشد و نشان می دهد که اینسان قبل از تعیین تکلیف میلمونها دهقان و کشاورز بسی زمین و کم زمین که گروه گروه توسط فئودالها از زمین ها و اراضی کشاورزی رانده می شوند. قبل از تعیین تکلیف کارگران و قانون کار و دیگر مسائلی که جان زحمتکشان را به لبشان رسانده می خواهند از "امنیت" سرمایه و بخش خصوصی اطمینان حاصل کنند و سپس به سایر مسائل بپردازند.

اصل مقدم برای این دارودسته آنست که در اسلام سرمایه داری حرام نیست و مالکیت محترم و مقدس است با حرکت از این اصل می باشد که حدود فعالیت بخش خصوصی را تعیین می کنند و می خواهند آنرا از هر گونه خطری محفوظ بدارند. بررسی تکتک مفاد این لایحه مبحثی مفصل خواهد بود. اما یک ماده آن جای تعمق بسیار دارد. به موجب این ماده دولت موظف شده است تا یکسال دیگر کلیه کارخانجات و موسسات تولیدی که مطابق قانون اساسی رژیم حاکم، مالکیت آن نباید در اختیار دولت باشد را به بخش خصوصی باز گرداند. این ماده تقریباً شامل کلیه کارخانجات و موسسات خصوصی معارضه شده می باشد. در این

نیکاراگونه تصویب نمود و در تاریخ چهارم آذر خولتز گفت، بنظر می رسد شوروی آماده گفتگو جهت خروج نیروهای خود از افغانستان است.

تا آنجا که به خاورمیانه مربوط است مسلماً هم مساله اسرائیل و فلسطین و هم جنگ ایران و عراق در مذاکرات مطرح شده است. در رابطه با جنبش فلسطین آمریکا سیاست صلح در مقابل صلح و اتحاد شوروی سیاست صلح در مقابل زمین برای فلسطینی ها را ارائه می دهند. با توجه به تاکید ساف روی مبارزه مسلحانه در سوزمین های اشغالی و مردود دانستن توافق های جداگانه با اسرائیل از طرف شوروی، بنظر می رسد صورتی که پیرامون مساله صلح در خاورمیانه، شوروی و سازمان آزادیبخش فلسطین بمقابله تنها نمایندند. خلق فلسطین شرکت داده شوند و سیاست شوروی که مورد توافق تعداد بیشتری از کشورهای عربی است، پیشرفت نماید، اتحاد شوروی با اسرائیل تجدید رابطه نماید. در این رابطه عملاً یک همسویی و همکاری اعلام نشده و بین رژیم خمینی، حزب لیکور در اسرائیل و ریگان در مقابل سازمان آزادیبخش فلسطین وجود دارد. در خود اسرائیل، رهبران حزب لیکور اعلام نمودند که استرداد اد هر بخش از سوزمین های اشغالی به فلسطینی ها شدیداً مخالف و در صورتی که حزب کارگر بدین اقدام دست بزند، یک جنگ داخلی در اسرائیل بر پا خواهد شد.

در رابطه با جنگ ایران و عراق بنظر می رسد طرفین به توافقات مشخصی نرسیده باشند و تنها خواستار قطع جنگ باشند. حملات فوج سران رژیم خمینی به طرفین نشان می دهد که رژیم خمینی و فوج بین المللی را بسود خود نمی بیند. آنچه مسلم است، آمریکا و شوروی برای رسیدن به توافق برسر مساله جنگ ایران و عراق

ماده برای آنکه بهانه های هم بدست کسی داده نشود قید شده است که دولت در فروش اینگونه کارخانجات باید اولویتهایی از قبیل کارگران و کارکنان کارخانه شرکت های تعاونی و با لایحه "افراد حقیقی" را در نظر گیرد. یعنی اگر همه این بخشها مشتری بودند نخست به کارگران و کارکنان کارخانه و سپس به بقیه بفروشد. همه می دانند که با وضع فلاکت باری که کارگران کارخانه ها دارند و در شرایطی که با توجه به مزد ناچیز و گرانی و تورم سرسام آور قادر به تامین حداقل زندگی نیز نیستند، هیچگاه قادر نخواهند بود میلیاردها تومان برای خرید کارخانجات مورد نظر بپردازند. شرکت های تعاونی هم وضعی بهتر از این ندارند. می ماند افراد حقیقی" یعنی سرمایه دارانی که به لطف چپاول زحمتکشان قادرند مبلغ مورد نظر را بپردازند. بدین ترتیب سال آینده، سال جشن و سرور سرمایه داران و بازگشت کارخانجات به انسان می باشد. این ماده را در کنار تبلیقات "مسخره مبارزه با بازگشت سرمایه داران قرار دهید تا ماهیت واقعی این حکومت ارتجاعی و شاید عیان تر گردد. هدف باز گرداندن کارخانه ها به سرمایه داران است و لایحه از همین حالا نیز چک و چانه زدن بر سر قیمت کارخانه ها شروع شده است، البته گمان نکنید که

احتیاج به مرور زمان دارند. ظاهراً آنان تصمیم گرفته اند که مستقیماً در مساله جنگ ایران و عراق و اوضاع دو کشور دخالت نکنند. این امر نتیجه وجود یک مقاومت مسلحانه انقلابی در ایران و وجود یک جانشین دموکراتیک است که امکان هرگونه توافق بین المللی از بالای سر مردم را غیر ممکن ساخته است. جهان امروز با باید به یک ایران آزاد مستقل و دموکراتیک گردن نهد و با برای هر منافعی که متضاد با جنبش ایرانی باشد، عواقب آن را ببینند. طبعاً در شرایطی که در هم شکستن مقاومت انقلابی مسلحانه که عملاً از جانب شورای ملی مقاومت نمایندگی می شود. برای هیچ نیروی بسادگی قابل تحقق نیست، تن دادن به ایران آزاد، مستقل و دموکراتیک یعنی ادامه بحران و جنگ داخلی و خارجی در ایران و صدور تروریسم از جانب رژیم خمینی در منطقه.

نیروهای انقلابی با پایداری و مبارزه مسلحانه انقلابی رهائی بخش علیه رژیم خمینی و اعتقاد به قیام مسلحانه توده های و با سازماندهی انقلابی مردم برای چنین قیامی می توانند تضمین های لازم برای استراتژی دیپلماتیک خود که همانا خنثی نمودن تمام خصوصیات بین المللی با التزاتر شوراست را بوجود آورند. این یگانه سیاستی است که تحقق یک انقلاب مردمی و دموکراتیک را میسر می سازد و مردم ایران با آگاهی بدین سیاست، اراده تعیین کننده خود را در قیام مسلحانه مردمی که محتملترین چشم انداز تحول است، نشان خواهند داد.



مشتریان از سرمایه داران وابسته به رژیم سابقند. خیر. مشتریان اصلی آن دارودسته هائی هستند که به یمن اسلام جمهوری اسلامی پولهای بادآورده را انبار کرده اند و همگی نیز یک لقب "حاج آقا" را بسدک می کشند و "جوهات شرعی" !! خود را نیز پرداخت کرده اند!

کارگران آگاه و بیدار، مردم قهرمان و آزادیخواه، با این حکومت ارتجاعی به یک زبان بیشتر نمی توان سخن گفت. زبان انقلاب، زبان قهر انقلابی، زبان جنبش توفنده کارگری، زبان جنبش اوجگیرنده خلق های قهرمان ایران، زبان انقلاب مسلحانه توده های.

رژیم شاه نیز با مضحکه "فروش سهام کارخانجات" می خواست همین نمایش را بازی کند و سرنوشتش آن طور شد. این رژیم نیز سرنوشتی بهتر نخواهد یافت.

درگذشت ...

بقیه از صفحه ۸

تاریخ اول دیماه ۱۳۶۲ در تهران در سن ۸۰ سالگی فوت نموده اند. ما در گذشت ایشان را به خانواده ایشان و بخصوص به آقای متین دفتری دبیر جبهه دموکراتیک ملی ایران و عضو شورای ملی مقاومت تسلیم می گوئیم.

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده ای شکست ناپذیر است

۲۶ دیمه فرار شاه

بست و ششم دیمه روزیست در تاریخ مبارزات مردم ایران که خشم انقلابی توده ها در بید پیروزی عینیت یافت . در اینروز شاه خاش، دست نشانده امپریالیسم در مقابل اوج گیری مبارزه توده ها فرار را بر سرار ترجیح داد و از کشور گریخت . شاه با آنهمه قدرت و دستگاه عربش و طویش در مقابل توده ها فرار کرد و این لحظه های شیرینی بود که نمایگر قدرت توده ها بود . مردم که فرار شاه را مرکز رژیم تلقی می کردند به بقیه در صفحه ۶

برخی از رویدادهای تاریخی

داخلی

۵ دی ۱۳۵۷ - شهادت کامران نجات الهی یکی از استادان مبارز دانشگاه و از اعضا فعال کانون ملی دانشگاهیان

۵ دی ۱۳۰۰ - شهادت حیدر عمو اوغلی از بنیانگزاران حزب کمونیست ایران و یکی از فعالین جنبش رهاشی بخش ایران در ابتدای قرن اخیر

۷ دی ۱۳۵۷ - کشتار وحشیانه مردم قزوین توسط مزدوران شاه

۶ دی ۱۳۶۰ - شهادت مادر قهرمان مجاهد معموله شادمانی (کبیری) زندانی سیاسی رژیم شاه، در زیر شکنجه

۹ دی ۱۳۰۰ - انتشار نخستین شماره روزنامه "حقیقت" ارگان حزب کمونیست ایران با مدیریت محمدحکیم

۹ دی ۱۳۵۷ - کشتار وحشیانه مردم مشهد بدست مزدوران ان شاه خاش

۱۰ دی ۱۲۹۰ - شهادت شفا الاسلام شیریزی و یاران او توسط عمال استبداد

۱۶ دی ۱۳۳۸ - در گذشت شاعر گرانقدر نیمابوشیخ

۱۷ دی ۱۳۲۶ - شهادت جهان پهلوان تختی

۱۹ دی ۱۳۵۶ - سرکوب تظاهرات مردم قم توسط مزدوران شاه خاش

۱۹ دی ۱۳۶۱ - تلافیات مسئول شورای ملی مقاومت با طارق عزیز بر سر مسئله صلح

۲۳ دی ۱۳۵۷ - روز بازگشایی دانشگاهها توسط مردم

۲۶ دی ۱۳۵۷ - فرار شاه خاش

خارجی

۱ ژانویه ۱۹۶۵ - سالروز آغاز مبارزه مسلحانه خلق فلسطین

۱۰ ژانویه ۱۹۵۹ - سالروز پیروزی انقلاب کوبا

۱۷ ژانویه ۱۹۶۱ - شهادت پاتریس لومومبا

برای دریافت نبرد خلق

و سایر انتشارات سازمان با
آدرس های زیر مکاتبه کنید

سوئد

**NABARD KHALGH
BOX 8847
40271 GÖTEBORG
SWEDEN**

اسپانیا

**APARTADO DE
CORREOS
50.610
MADRID SPAIN**

فرانسه

**F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE**

شهادت فدائی در دی ماه

برای فتح قله های
پرسلاطت عشق؛

عشق به آزادی؛

عشق به مردم؛

عشق به برابری؛

یامرگ پلیریزی.

۱۳۵۰ - رفقا: مرتضی شفیعی - حسن محمودیان

۱۳۵۲ - رفقا: یوسف زرکاری - حسن نوروزی

۱۳۵۲ - رفقا: سرور فرهنگ فاطمه حسن پور امین -

بهمن روحی آنگران - فاطمه (شمس) نهانی

۱۳۵۵ - رفیق خدا بخش شالی

۱۳۵۷ - رفیق فتح الهه کریمی

۱۳۶۰ - رفقا: خاطره جنیش دانشجوشی - شاهرخ میثاقی در فیلمین

(اولین شهید جنبش دانشجویی) - فرهاد دادور - مجید

سعیدی و پیشمرگه فدائی سروس قصیری

۱۳۶۱ - رفیق فقیر محمد زین الدینی

درگذشت مهندس احمد مصدق

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که مهندس احمد مصدق
فرزند دکتر یحیی مصدق رهبر فقید جنبش ملی ایران در
بقیه در صفحه ۷

سال نو میلادی

رأبه هموطنان مسیحی

تبریک می گوئیم

با کمک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز

سازمان برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی
و رهائی بخش مردم ایران علیه رژیم حینتی به
کمک های مالی شما نیازمند است .

کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، یا
ستقیماً بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی
سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز نموده
و قبض رسید آنرا به آدرس نشریه ارسال دارید .

حساب بانکی سازمان

CREDIT LYONNAIS BANQUE
2365
MME TALAT R.T.
2617 G
LES HAUTS DE CHATOU
78400 CHATOU FRANCE

زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم